

در سازمان ملل صورت گرفت بررسی تحولات مرزهای لبنان و اراضی اشغالی

مریم علامه زاده

در نشست در سازمان ملل با حضور مسئولان این سازمان، مقامات لبنانی و مقاماتی از رژیم صهیونیستی، روز چهارشنبه (چهاردهم آذر ماه)، تحولات مرزهای لبنان و اراضی اشغالی مورد بررسی قرار گرفت.

این نشست سه‌جانبه، مشارکت مسئولانی از مقامات ارتش لبنان، رژیم اشغالگر صهیونیست و همچنین نیروهای سازمان ملل حاضر در لبنان موسوم به یونیتل را در مقر سازمان ملل متحد در منطقه رأس الناقوره که در مرزهای سرزمین‌های اشغالی و لبنان واقع شده است، به همراه داشت.

بر اساس گزارش شبکه ۱۰ رژیم صهیونیستی از این نشست، تحولات این مرزها پس از آن بررسی می‌شود که رژیم اشغالگر اقدام به آغاز عملیات موسوم به سپر شمال کرد. هدف از اجرای این عملیات شناسایی انهدام تونل‌های لبنان در منطقه مرزی بود.

رژیم اشغالگر مدعی است که حزب‌الله لبنان اقدام به حفز این تونل‌ها کرده است.

در این نشست همچنین، جبران باسیل، وزیر امور خارجه لبنان، دستوراتی را برای تنظیم گزارشی به شورای امنیت علیه رژیم صهیونیستی صادر کرده است. وی دلیل تنظیم چنین گزارشی را بررسی حفاری‌های رژیم صهیونیستی و انداختن تقصیر بر گردن حزب‌الله عنوان کرد. به گفته وی رژیم اشغالگر با نقض گسترده قوانین و مقررات بین‌المللی اقدام به نادیده گرفتن حقوق کشور لبنان می‌کند که حفاری تونل‌های هجومی یکی از این موارد است. بر اساس گزارش‌ها، تعداد نقض‌های این رژیم ماهانه به بیش از ۱۵۰ مورد می‌رسد.

تل آویو پایتخت رژیم اشغالی، از شورای امنیت درخواست کرده است که این جلسه را برای بررسی «تونل‌های هجومی» برگزار کند و مدعی است حزب‌الله در مرزها این اقدام را انجام می‌دهد تا بتواند دست به تهدیدهای تروریستی علیه مرزهای اشغالی بزند.



دنی دانون، نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل متحد در این جلسه تعهد کرد که تصاویر این تونل‌ها را به کارشناسان سازمان ملل ارائه کند و مدعی است که حزب‌الله و ایران پشت این اقدام هستند و بارها دست به ارتکاب جنایات جنگی و اقدامات خصمانه زده‌اند.

وی با بیان اینکه حمله نظامی در منافع اسرائیل نمی‌گنجد گفت: با این وجود برای حفاظت از تمامیت ارضی کشور مان ممکن است این اقدام را در برنامه‌ای خود لحاظ کند.

دانون در توجیه عملیات سپر شمال در جلسه سازمان ملل گفت: این یک اقدام محدود است و اسرائیل این عملیات محدود را برای شناسایی تونل‌های تروریستی که حزب‌الله در جنوب لبنان حفر کرده است، انجام می‌شود.

به گفته دانون، نقض قطعنامه ۱۷۰۱ از سوی حزب‌الله لبنان صورت گرفته است.

وی همچنین عنوان کرد که از دبیر کل سازمان ملل متحد درخواست کرده است تا این نقض‌های قوانین بین‌المللی را محکوم کند. وی افزود: مأموریت نیروهای یونیتل در جنوب لبنان ممانعت از مالکیت تسلیحات و زیرساخت‌های نظامی از سوی حزب‌الله است و با این حال اقدامی از سوی این نیروها انجام نمی‌شود و ارتش لبنان نیز جلوی حزب‌الله قرار نمی‌گیرد و جنوب کشور به‌طور کامل در اختیار حزب‌الله قرار گرفته است و هرگونه عملیاتی را علیه اسرائیل انجام می‌دهد.

آمریکان نیز در اقدامی قابل انتظار از اقدام رژیم صهیونیستی برای انجام چنین عملیاتی دفاع کرد. جان بولتون مشاور امنیت ملی کاخ سفید با اشاره به این عملیات گفت: ایالات متحده آمریکا به شدت از عملیات سپر شمال اسرائیل و تلاش‌های این رژیم برای دفاع از تمامیت ارضی و حاکمیت خود حمایت و هرگونه اقدامی برای زیر سوال بردن این حاکمیت را محکوم می‌کند. گفتنی است نتیجه نهایی این جلسه باید پس از ارائه مستندات و بررسی سازمان ملل متحد مشخص شود.

کدام قدرت برای رهبری جهان مناسب است؟

عصر بی‌هویت



سید محمد میرزا محمدزاده

نیویورک تایمز در مقاله‌ای خواندنی نوشت: خودشیفتگی که ترامپ در منش خود نهادینه کرده، به آشفتگی و غبار تغییرات گسترده جهانی دامن زده و سیستم جدیدی در دنیا در حال شکل‌گیری است. اما فرم این سیستم هنوز قابل تشخیص نیست. گاهی انگار اژدهای چند سر در حال ظهور است و از هر سرش صدایی بر می‌آید و هر سر با سر دیگر در نزاع است. باین وجود شاید وعده دهکده جهانی قرن بیست و یکم را دست کم گرفته‌ایم و باید به آن امید داشته باشیم.

بعد از دوران جهان دوقطبی (شوروی - آمریکا) و بعد دنیای تک‌قطبی (آمریکا)، این دوره را شاید بتوان عصر بی‌هویت خواند. انگیزه‌هایی که برای ایالات متحده پس از چند دهه جنگ جهانی ایجاد هدف کرده بود، از گسترش آزادی تا ایجاد نظم قانونمند جهانی، همه از میان رفت. ایده‌های روشنفکرانه منافع داخلی آمریکا، که علاوه بر آمریکا منافع متحدانش را نیز تأمین می‌کرد، جای خود را به اهربرد خام اول آمریکا داده است.

سرعت رفتارهای گستاخانه افزایش یافته است. از وقتی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور شده انگار

هر روز شبه است و خبری از تعطیلی جمعه نیست. حتی فساد هم می‌تواند نهادینه شود؛ این ذات آدمی است که با هر چیزی انطباق پیدا می‌کند. فرهنگ جهانی به‌طور فزاینده‌ای از سوی ثروتمندان تعریف می‌شود، سوی از مابهرتران بی‌ارزش (همچنان که در روسیه، عربستان سعودی، چین و آمریکای ترامپ شاهد آن هستیم). در حالی که آن‌هایی که از چرخه این ثروتمندان کنار گذاشته شده‌اند، به سمت خشونت سوق پیدا کرده‌اند و وارد ناسیونالیسم عصبی شده‌اند.

حرف آمریکا دیگر ارزش خود را از دست داده است، اعتباری که شاید بعد از پایان جنگ جهانی دوم به دست آمریکا افتاده بود. در نتیجه این خلأ، جایی که آمریکا هیچ برتری جز بگردن جنگ‌های تجاری ندارد، چین برمی‌خیزد، فرار از عواقب عمل گسترش پیدا می‌کند، بازیگران قدرتمند متعدد می‌شوند و خودکامگان عنان را به اختیار می‌گیرند. کلمه «ارزش» معنای خود

را از دست داده است. چین، نماینده ملتی که با سرکوبگری فزاینده، مدعی می‌شود، اطلاعات رایه کنترل درآورده است، ادعای رهبری جهان را به صورت آکادمیک دارد. رقابت ایده‌ها، بین‌استبداد و دموکراسی آزاد حالا به‌طور کامل متعادل شده است و هر دو قدرتمند شده‌اند.

وقتی ارزش‌ها

بی‌ارزش می‌شوند

ما هم به مسائل بی تفاوت شده‌ایم؛ هزاران کودک از والدین خود در مرز مکزیک جدا شده‌اند؛ اظهارات غلط یا گمراه‌کننده هر روز از دفتر ریاست جمهوری آمریکا منتشر می‌شوند؛ رسانه‌ها

از سوی رئیس‌جمهور آمریکا به‌عنوان «ششمن مردم» معرفی می‌شوند (اصطلاحی که همیشه از زبان حکومت‌های توتالیتر بیرون آمده است)؛ کاخ سفید ویدئویی دستکاری شده را منتشر می‌کند، تا اعتبار خبرنگار CNN را زیر سؤال ببرد؛ سرویس اطلاعاتی

آمریکا به لطف ترامپ، اعتبارش از سخنان ولادیمیر پوتین کمتر شده است؛ اتحادیه اروپا از سوی ترامپ حکومت «وحشی» معرفی می‌شود، در حالی که کیم جونگ‌اون، رهبر کره شمالی از مقام تهدید علیه بشریت به «شخصیت والا منش» صعود می‌کند.

یادم رفت لغو برنامه اخیر ترامپ به بهانه باران یا بگویم، برنامه بازدید از قبرستان سربازان آمریکایی در فرانسه، در صدمین سال پایان جنگ جهانی اول. همه می‌دانیم که ترامپ از باران متنفر است، چرا که موهایش زیر باران خراب می‌شود. مهم نیست که دو هزار و ۲۵۰ آمریکایی در این گورستان خوابیده‌اند و جانشان را دور از وطن از دست داده‌اند. همچنین همه می‌دانند که ترامپ در طول دو

چینی که حال را رهبر

انرژی‌های تجدید پذیر

است، پیشرفت پایدار و

بی‌وقفه‌ای داشته است.

در اروپا، از یونان گرفته تا

صربستان، چین پیگیر

مدل آفریقایی خود است؛

آنچه می‌تواند منابع و

زیرساخت‌ها را کنترل کند،

بخیریم

بریک دهه بعد؛ بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، عناد با برترین‌های قدرت، که از فاجعه آن سال، جان سالم به در بردند و عصبانیت از عدم برابری رو به فزونی، به موج ناسیونالیسم افراطی در سرتاسر جهان دامن زده است. انتخاب ژائیر بولسونارو در انتخابات ریاست جمهوری در برزیل یکی از بارزترین و تازه‌ترین نمونه‌های این موج است. موجی که ترامپ را نیز بر سر کار آورد.

اعتراضات بر جسته جلیقه زردها در فرانسه، بازتاب عصبانیت علیه

درگیری ایالات متحده

و چین بر سر تجارت

ناعادلانه، در جریان اجلاس

همکاری‌های اقتصادی

آسیا - اقیانوسیه آن قدر

شدید بود که در نهایت

هیچ بیانی‌های منتشر نشد،

اتفاقی که در تاریخ این

اجلاس بی سابقه بود

تخریب و تحریف جوامع به نفع ثروتمندان است. در مجارستان، جامعه‌ای که در زمان بیرون آمدن از جماهیر شوروی، تشنه آزادی لندن و پاریس بود، با روی کار آمدن ویکتور اوربان، نخست‌وزیر لهستان به مکانی تبدیل شده که خانواده، کلیسا، ملت و برداشت سنتی از ازدواج و جنسیت گرفتن او مطمئن‌ترین راه برای دموکرات‌هاست تاریخ جمهوری وی تا سال ۲۰۲۴، تضمین کنند.

انتخابات میان دوره به دموکرات‌ها، پیروزی قابل توجهی در مجلس نمایندگان اعطا کرد و حداقل ۳۷ کرسی را از آن خود کردند. حالا رئیس‌جمهور در اقدامات آتی خود محدودتر شده است. حملات او به مهاجران و توهین‌های آشکارش به زنان، در حاشیه و بیرون شهرهای آمریکا، برایش گران تمام شد. بیشتر آمریکایی‌های نجیب، عوام‌فریبی را دوست ندارند. امسا همچنان راه ترامپ برای انتخابات ۲۰۲۰ یا ۲۰۲۴ است.

جمهوری خواهان یا بهتر بگوئیم حزب فعلی ترامپ، همچنان مجلس سنارا در تسخیر دارند و اخیراً با دوباره شماری آراء، دو کرسی دیگر هم به دست آوردند؛ آن‌ها در فلوریدا، یکی از حیاتی‌ترین حوزه‌های انتخاباتی ریاست جمهوری کشور برتری دارند.

یک دهه بعد؛ بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸، عناد با برترین‌های قدرت، که از فاجعه آن سال، جان سالم به در بردند و عصبانیت از عدم برابری رو به فزونی، به موج ناسیونالیسم افراطی در سرتاسر جهان دامن زده است. انتخاب ژائیر بولسونارو در انتخابات ریاست جمهوری در برزیل یکی از بارزترین و تازه‌ترین نمونه‌های این موج است. موجی که ترامپ را نیز بر سر کار آورد.

رئیس‌جمهور تاریخ می‌دانند. وقتی که هیچ معنای مشترکی وجود ندارد و با فشار شبکه‌های اجتماعی برای تقابل، ظرفیت دموکراسی‌های غربی برای رسیدن به مصالحه‌ای که بر اساس آن تاکنون پیشرفت حاصل شده، تضعیف شده است. در زندگی اگر شما ۷۰ درصد از آنچه می‌خواهید به دست

بیاورید، به احتمال بسیار احساس رضایت می‌کنید؛ اما امروز هیچ سیاستمدار آمریکایی نمی‌بینید که بگوید: من فقط ۷۰ درصد آنچه را که می‌خواستم به دست آوردم، اما در حال به نفع پیشرفت در انتخابات شرکت می‌کنم.

چین که گام در مسیر خودکامگی بیشتری با رهبری شی گنجاشته است، چنین نگرانی‌هایی ندارد. آن‌ها برنامه‌های خود را می‌چینند، اجرا می‌کنند و روبه‌جلو می‌روند. در چند دهه اخیر ۸۰۰ میلیون انسان را از فقر بیرون کشیده‌اند. چرا باید به خودشان شک کنند؟ پکن حالا خود را اجابگیران بلانماز برای مدل دموکراسی لیبرال می‌داند. ترامپ برای پکن خوش‌بین بوده است. سیاست تضعیف شده داخلی آمریکا، ریزش اقتدار اخلاقی آمریکا، در شراکت بین‌المللی موسوم

به ترانس-پاسفیک از سوی ترامپ و ترک قرار داد اقلیم پاریس، همه به نفع چین بوده، چینی که حالا رهبر انرژی‌های تجدید پذیر دنیا است. پیشرفت این کشور پایدار و بی‌وقفه بوده است. در اروپا، از یونان گرفته تا صربستان، چین پیگیر مدل آفریقایی خود است؛ آنچه می‌تواند منابع و زیرساخت‌ها را کنترل کند، بخیریم.

ترامپ، چوپان دروغ گو

ترامپ جنگ تجاری را انتخاب کرد و چند دلیل منطقی هم داشت، اما ناتوانی او در تأمین یک سیاست ژئواستراتژیک منسجم برای مقابله با چین، منجر به آن شده است که چین تعرفه‌های او یا چین، جزئی از کج خلقی‌های وی به شمار رود. تحسین عجیب و غریب او در مورد کیم جونگ اون نیز به چین قدرت داده است. ترامپ در مقابل او ضعف نشان داده است و به او امتیاز می‌دهد و در مقابل چیزی دریافت نمی‌کند. حتی خروج نیروهای آمریکایی از شبه جزیره کره چندان دور از ذهن نیست. این اقدام بسیار برای چین خوشایند خواهد بود.

بست و توسعه چین با رهبری

کلمه «ارزش» معنای خود را از دست داده است.

چین، نماینده ملتی که

باسر کوبگری فزاینده،

مدعی می‌شود، اطلاعات

رایه کنترل در آورده است،

ادعای رهبری جهان را

به صورت آکادمیک دارد.

رقابت ایده‌ها، بین‌استبداد

و دموکراسی آزاد حالا

به‌طور کامل متعادل شده

است

شی و غیرقابل پیش‌بینی بودن کره شمالی، شرق آسیا را اشباع از تنش‌هایی می‌کند که اروپا در جریان جنگ سرد با آن‌ها روبرو بود.

درگیری بین ایالات متحده و چین بر سر تجارت ناعادلانه، در جریان اجلاس همکاری‌های اقتصادی آسیا-اقیانوسیه آن قدر شدید بود که در نهایت هیچ بیانی‌های منتشر نشد، اتفاقی که در تاریخ این اجلاس بی سابقه بود. باین حال این اعتقاد وجود دارد که کشش چین برای ثبات منطقه‌ای و جهانی به‌منظور تکمیل توسعه تا سال ۲۰۵۰، شامل حال تقابل آن با آمریکا بدون درگیری نظامی می‌شود.

با وجود استفاده جوامع اقتدار گرای همچون چین و روسیه از تکنولوژی، چنین محدودیت‌هایی علیه جنگ احتمالاً با فناوری تقویت می‌شود. مادر دنیای نیمه اول قرن بیستم واقع نشده‌ایم.

ترامپ و دیگر ناسیونالیست‌ها از روش‌های فاشیستی متفاوتی از جمله، منزوی کردن، بیگانه‌هراسی، اسطوره‌سازی ناسیونالیست و ترویج ناسیونالیسم، بهره برده‌اند، اما نیروهای خواهان جوامع باز، بسیار قوی‌تر از یک قرن پیش هستند. درست است که دیوارها در هر جایی بسال می‌روند و چین نشان داده که می‌تواند اینترنرت را کنترل کند، اما گسترش ایده‌ها و ایده‌آل‌گرای را نمی‌توان سرکوب کرد؛ حتی با وجود وحشتناک‌ترین رئیس‌جمهور در آمریکا، نمی‌توان دنیا را به پر تگاه انداخت و این امید قرن ۲۱ است؛

امید نه در عقده‌های ترامپ، بلکه در روحیات مردم و شبکه‌ها نهفته است. رسانه‌ها محدودیت‌هایی را برای ترامپ قائل شده‌اند. حمله او به نهاد‌های آمریکایی و رسانه‌های برجسته منجر به توسعه آگاهی در

مورد نیاز به ژورنالیسم تحقیقی شده است؛ اما این کار هزینه دارد. خوشبختانه حالا رسانه‌های آنلاین همه فروشی شده‌اند و این خبر خوبی است. خبر بد این است که ترامپ از اصطلاح «خبر جعلی» علیه رسانه‌ها استفاده کرده است و در واقع باین کار هجمه علیه رسانه را ازاد و توجیه پذیر کرده است که نمونه آن‌رامی توان قتل

جمال خاشقجی بر شمرد. در مقابل دموکرات‌ها نباید تمرکز خود را از دست دهند. رئیس‌جمهور هر کاری انجام می‌دهد که انتخابات ۲۰۲۰ را از آن خود کند؛ علم کردن

«کاروان» هادر مرز آمریکا برای ایجاد دلهره در دل مردم آمریکا برای رأی دادن به وی آخرین فریبکاری او و شاید ساده‌ترین آن به شمار می‌رود. آمریکا شاید از آمریکای ترامپ چهار ساله نجات یابد، اما نجات آن پس از هشت سال، سخت‌تر به نظر می‌رسد. شکست جمهوری خواهان کار تمام وقت می‌خواهد، این کار برای بشریت مهم است، چرا که چین آزادی را اولویت دوم جهان می‌داند.